

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ.

ای نام تو بهترین سرآغاز بی نام تو نامه کی کنم باز
خدایا به درگاه تو آمده‌ایم، چیزی نداریم. جانی که داریم که تو خودت داده‌ای، مال خودت
است. خدایا! ما را در حمایت خودت نگه دار. ما درک کرده‌ایم که ذرّه‌ای در این عالم نیستیم،
به این جهت کمترین ذره، من ذره‌ی حقیر، اول به نام تو و به نحوه‌ی عبادتی که خودت فرموده‌ای:
نماز، رو آوردیم. خدایا! ما را به برکت همین نماز، پاک کن. دل‌های ما را صاف کن. دل‌های ما را به
نام خودش صیقلی بده.

ما که برای خود ارزشی در مقام الهی قائل نیستیم، همانقدر ارزش داریم که خداوند به ما ارزش
داد. به بزرگان تو پیوستیم و می‌پیوندیم. مثل امروزی به قصد تو و به یادبود و در ذیل سایه‌ی او به
درگاهت آمده‌ایم. خودت فرمودی که بالاخره حق پیروز است، ما همیشه پیروزیم.

این جنگ‌های ظاهری به منزله‌ی این جنگ‌های عروسکی است ولی از همان، بعضی‌ها در این
روزگار روسپاه بیرون آمدند و بعضی‌ها رویی نداشتند. رویی که خدا به آنها داده بود، همان را واسطه
قرار دادند. خدایا! ما را هم در ذیل آن نگه دار. البته جنگی که ما می‌کنیم، به عنوان لشکر حق علیه
باطل، این در عین صلح و سلامتی و خشوع در مقابل رحمت الهی است. این تن خاکی ارزش چندانی
ندارد که ما تمام چیزها را برحسب آن قیاس کنیم. در مقابل، حق و حقیقتی که به این تن خاکی نور
می‌دهد و به آن اجازه می‌دهد که دیگران را هم منور کند، دنباله‌روی این هستیم. حقیقت اوست، نه
حقیقتی که برای خود خیال می‌کنند که فرمود: الْحَقُّ مَعَ عَلِيٍّ وَعَلِيٌّ مَعَ الْحَقِّ، او مبنای حق و حقیقت
است و او همیشه پیروز است برای اینکه تجلیات و جلوه‌های او دائمی است.

این جلوه‌های ظاهری، این بدن و این قدرت‌های گول‌زننده، قدرتی که شیطان نشان می‌دهد
برای گول زدن انسان‌ها، اینها ما را خیره نمی‌کند. وقتی در این جلسات جمع خیر و شر، در جلسه‌ای
که در کاخ فرعون یزید یا عبیدالله تشکیل شد، آنها گفتند و اعلان کردند که خداوند اینکه می‌فرماید:
تُعْزَمُ مَنْ تَشَاءُ وَتُذَلُّ مَنْ تَشَاءُ (سوره آل عمران، آیه ۲۶) می‌فرماید: تُؤْتِي الْمُلْكَ مَنْ تَشَاءُ وَتَنْزِعُ الْمُلْكَ مِمَّنْ
تَشَاءُ (سوره آل عمران، آیه ۲۶) به خدایی که نمی‌شناخت، قسم خورد گفت که این همان خداست که شما
را ذلیل کرد و ما را عزیز کرد. حضرت فرمودند: نه! ما هرگز ذلیل نمی‌شویم، ما عزیزیم و شما ذلیل. نه
هر که قدرت به دست او آمد، آن شخص خیر است و آن شخص برتر است. بلکه چه بسا کسی که

قدرت به دست دارد، باطل است و کسی که قدرت ندارد، حق. جداگانه به خداوند شکرگزاری می‌کنند. به هرکه خود بخواهی، ملک و حکومت می‌دهی و به هرکه خود بخواهی، از او سلب می‌کنی که در همین دوران عمر کوتاه خودمان، این قدرت خداوند را به چشم دیده‌ایم. می‌فرماید: **تُعَزُّمَنْ تَشَاءُ وَتُذَلُّ مَنْ تَشَاءُ** و دیدیم چه کسانی عزیز خداوند و چه کسانی ذلیل هستند در مقابل خدا. خداوند عزیز خودش را، ولو نامش را نمی‌گذارد که از بین برود.

امروز بعد از هزار و سیصد سال، هزار و خرده‌ای سال، ما نام این بزرگ را بر زبان می‌داریم. همه به زبان، آرزو می‌کنیم: کاش که در حضور تو بودیم که به فیضی نائل می‌شدیم ولی در اینجا خداوند آن خواسته‌هایی که از دل‌ها برمی‌خواست، شنید، اجابت فرمود. فرمود شمایی که در دل آرزوی کربلا دارید، آرزوی شهادت در پیشگاه سلطان‌الاولیاء دارید، بدانید همین امروز هم برای شما عاشورا است، همان جایی که هستی کربلا است. این در را که از درهای بهشت است (چون فقط در بهشت است که ابدی است) همه‌ی اینها را به روی مؤمنین گشود و به مؤمنین نشان داد که اگر این راه را طی کنید، همان روز برای شما عاشورا حساب می‌شود. امیدوارم خداوند به ما این توفیق را بدهد که جزء ارادتمندان و صلحای قوم قرار بگیریم. ان شاء الله.

التماس دعا از همه، همه‌مان برای هم دعا کنیم. **كَانَهُمْ بُنْيَانٌ مَرْصُوعٌ** (سوره صف، آیه ۴) که فرموده‌اند، دعا هم هست. ما سلاحی غیر از دعا نداریم. خدایا! این سلاح ما را خودت به کار انداز، هر طور می‌دانی. **(برگرفته از گفتارهای عرفانی، سحر عاشورا، سه‌شنبه، ۱۳۹۳/۸/۱۳، جلسه برادران ایمانی)**

در تقسیم‌بندی که برای مراحل سلوک کرده‌اند (این تقسیم‌بندی برای این است که بشود دقیق‌تر بحث کرد) یکی از مراحل یعنی یا اول یا یکی از مراحل اولیه‌ی سلوک برای غالب مردم که در این خطه نبودند، مسأله‌ی حیرت است. حیرت در اولین مرحله‌ی آگاهی است. آگاه می‌شود بر اینکه این هدف زندگی نیست که بخورد و بیاشامد و از همین لذاتی که دنیا دارد، برخوردار بشود و یادگیری از خودش بگذارد یعنی فرزندانی بیاورد و بعد برود. حالا این راه را که می‌بینیم، زندگی فعلی‌مان را که می‌بینیم ولی این وقتی می‌گوییم که آنگاه همه‌ی اینها را بگذارد و برود، آن «برود» کجا برود؟ اینجا که ما شصت، هفتاد، هشتاد سال مشخص است. آنجا چند سال است؟ نمی‌دانیم.

این همان چشمه‌ی خورشید جهان افروز است

که همی تافت برآرامگه عاد و ثمود

عاد و ثمود که داستان آن را در قرآن خواندید، هر دو قوم از بین رفتند، به هر جهت، هم آنها از

بین رفتند و هم دوستان خدا رحلت کردند. همه رفتند. بعد می‌گوید:

این همان چشمه‌ی خورشید جهان افروز است

که همی تافت بر آرامگه عاد و ثمود

یعنی می‌گوید ما آمدیم و رفتیم و خورشید تکان نخورد. همه‌ی اینها برای انسان حیرت می‌آورد

که نمی‌داند چه کند؟ در این مرحله‌ی حیرت هم خیلی‌ها اعلام کردند، خیام می‌گوید:

کافکند به خاک صد هزاران جَم و کی این آمدن تیرمه و رفتن دی

یعنی این گردش سال، تیر و دی را مثال زده، چله‌ی تابستان و چله‌ی زمستان.

می‌نوش که بعد از من و تو ماه بسی از سلخ به غُره آید از غُره به سلخ

غُره‌ی ماه یعنی آن اوّل، هلال ماه است، سلخ یعنی پوست‌کندن. سلخ ماه آن روز سی‌ام است،

آن را می‌گویند سلخ. می‌گوید بسیاری اوقات ماه خیلی غُره بود تبدیل شد، رسید به سلخ، باز از سلخ

غُره شد. البته در اینجا این شعر از خیام است، آن خیامی که به اصطلاح فرنگی‌ها فهمیدند و اوّل

ترجمه کردند و ترجمه‌اش به ما رسید، آنها می‌گویند: آگاهی بدهید. این مال این است که ما

نمی‌دانیم، ما می‌خواهیم آگاهی بدهیم.

ولی این هم آگاهی نیست، کفایت نمی‌کند که در این مورد البته استثنائاً خیلی‌ها او را جزء شعرا

می‌دانند و حال آنکه خیام را از بزرگ‌ترین دانشمندان جهان می‌شود گفت، تقویم فعلی ما مرهون خیام

است. بعد از خیام یعنی چهارصد، پانصد سال بعد از خیام یکی از پاپ‌ها گِره‌گوار نمی‌دانم چندم، خیلی

تقویم‌شان شلم‌شوربا شده بود مثلاً عید بهار افتاده بود به وسط زمستان. اینها را باید اصلاح می‌کردند،

یک گِره‌گوار دستور داد یک هیئتی بنشینند و تقویم را اصلاح کنند. چهار، پنج نفر باز هم از همان‌ها

نشستند و تقویم را اصلاح کردند که این تقویم فعلی خارجی‌ها و مسیحی‌هاست به قولی و به احتمال

قوی این چند نفر همه، دانشمندان ریاضی بودند و قطعاً قدم اوّلیه‌ای که استاد مسلم ریاضی یعنی

خیام برداشته بود، حتماً در نظر اینها بود. منتها نگفتند ما این تقویم را از خیام گرفتیم، عیناً مثل آن

بود. اسم تقویمش را هم نگذاشتند خیامی، گفتند که تقویم «گریگوری». ما خیلی چیزهایی داریم که

از گوشه و کنار ناخنک گرفتند، از ما کردند، این هم یکی است. معلوم می‌شود در تاریخ سابقه دارد، آن

هم مثل اینکه گوشت ما خیلی خوشمزه‌تر از همه است برای اینکه همه جا ناخنک از فارسی بوده.

این است که آنجا هم آنها این را ترجمه و تفسیر که می‌کنند، می‌گویند، خواسته آگاهی بدهد.

نه اینکه «بعد از من و تو ماه بسی» خبر داده و حال آنکه آگاهی که ما باید از این بگیریم غیر از این

آگاهی است. ما آگاهی باید بگیریم که عاد و ثمود که رفتند، هیچ اثری از آنها نماند. هود و صالح

پیغمبران این دو قوم نام‌شان هست، خودشان هم هست، همه هم می‌شناسند. این خیر است که

می‌ماند، نه قبيله. ما این را باید عبرت بگیریم. (برگرفته از گفتارهای عرفانی، صبح

روحیه‌ی ایرانی یعنی در واقع مشرق زمین آماده و پذیرای عرفان و تعلیمات عرفانی است. به همین نظر اگر به تاریخ نگاه کنید می‌شود گفت همه‌ی انبیاء و اولیاء و بزرگان عرفانی و اخلاقی از این منطقه انتخاب شدند. البته این موهبتی است که خداوند برای بعضی از بندگان مقرر کرده است ولی همه‌ی بندگان به تساوی از این نعمت برخوردار هستند، منتها بعضی‌ها توجه به این ندارند کما اینکه شناخت خدا و شناخت خلقت، اولین چیزی است که قاعدتاً به ذهن کودک می‌آید و توجه به اینکه از کجا آمده؟ از کجا آمده‌ام به کجا می‌روم آخر نمایی وطنم؟ بنابراین ما این نعمت را داریم و حتی در ادبیات و ریاضیات ما هم وارد شده. از مهمترین عارفی که در جهان اسم می‌برند خیام نیشابوری است، خیام نیشابوری در مقام عرفان، مقام اعلائی نداشت ولی توجه او به عرفان در عین اینکه مهمترین ریاضی دان آن تاریخ بود، مردم را توجه داد. از این توجهات در تمام تاریخ هست و ما از آن غفلت داریم، به قول هاتف می‌گوید:

یار بی پرده از در و دیوار متجلی است یا اُولی الأَبْصَارِ

جلوه‌ی یار در تمام ذرات موجودات وجود دارد، فقط ما باید چشم دیدن آن را داشته باشیم و حتی خداوند این توفیق را به همه عطا می‌کند که در زندگی کوتاه خودشان هم، جلوه‌های رحمت الهی را ببینند. ان شاء الله خداوند این چشم دیدار این تجلیات را به ما بدهد که بی خبر از این تجلیات نباشیم.

ای بی خبران غافل از آن ماه نباشید شاید که گاهی کند آگاه نباشید

حتماً که نگاه می‌کند، آگاه هست. (برگرفته از گفتارهای عرفانی، صبح جمعه،

۱۳۹۳/۸/۱۶، جلسه برادران ایمانی)

بیانات حضرت آقای حاج دکتر نورعلی تابنده (محبوب علیشاه) شامل: جزوات گفتارهای عرفانی / شرح رساله شریفه پند صلح / شرح فریاشات حضرت سجاد علیه السلام (شرح رساله حقوق) / شرح فریاشات حضرت صادق علیه السلام (تفسیر مصباح الشریعه و مفتاح الحقیقه) / جزوات موضوعی (درباره‌ی استخاره، خانواده، حقوق مالی و عشریه، دعا، خواب و رویا، بیماری و شفا، روح، شیطان، آداب حضور در مجلس تقریری، امر به معروف و نهی از منکر) / جزوات رفع شبهات با کزیده‌هایی از بیانات / جزوات پرسش و پاسخ با کزیده‌هایی از بیانات / مکاتیب عرفانی (مجموعه‌ی پاسخ به نامه‌ها) / مجموعه دستورالعمل‌ها و بیانیه‌ها / شرح و تفسیر برخی از آیات قرآن کریم / گفت و گوهای عرفانی (مجموعه‌ی مصاحبه‌ها) منتشر شده است.

جهت سفارش و دریافت جزوات از طریق شماره تلفن ۰۹۱۲ ۵۸۳ ۸۲۴۲ و یا سایت WWW.JOZVEH121.COM

اقدام فرمایید.